

گزارشی بر ادبیات رثایی آذری

[عیسی ثاقب بخشایشی*]

حسینه یرلر آغلار گوئلر آغلار بتول و مرتضی پیغمبر آغلار

■ چکیده

شاعران آذری زبان را شاید بتوان پرشورترین فعالان عرصه ادب ولایی دانست. نوشته حاضر گزارشی است از شعر و شاعری آیینی سرایان آذری زبان که آقای عیسی ثاقب بخشایشی (یکی از شعرا و ذاکران آذری) نگاشته است. وی در این گزارش، ابتدا شیوه اقامه عزای اهل بیت (علیهم السلام) در میان آذری زبانها را شرح می دهد و سپس به معرفی مراسمات آنان (مانند: طشت گذاری، شاه حسین و ...) می پردازد و درباره هر کدام از مراسمها، به نمونه ای از شعرها و نوحه ها اشاره می کند. وی در ادامه، با مدد از اشعار آذری، ویژگیهای شیعیان آذری زبان را در اقامه عزای اهل بیت (علیهم السلام) بیان می کند. نگارنده در نهایت، با دسته بندی اشعار شاعران مرثیه سرای آذری زبان از نظر لحن کلام (همراه با ذکر نمونه هایی در این زمینه) و نیز معرفی برخی شاعران، ناشران و قالبهای شعری مرتبط با شعر آیینی آذری، مقاله خویش را به پایان می رساند.

کلیدواژه ها: ادبیات رثای آذری، شاعران آذری زبان، ادبیات ولایی، مراسمات آئینی، شاعران مرثیه سرای آذری، ادبیات آئینی.

*. دانشجوی کتابداری، شاعر و ذاکر اهل بیت (علیهم السلام)

■ پیش درآمد

از پرشورترین فعالان عرصهٔ ادب ولایی شاعران آذری زبانند. خصوصیات بارز این شعرا را در این چند جمله چنین می توان برشمرد:

- گروهی به هر دو زبان فارسی و ترکی و گروهی تنها به ترکی می سرایند؛
- تنها مذهبی می سرایند؛

- در میان موضوعات مذهبی، عاشورا و وقایع مربوط به آن جایگاه ویژه‌ای
برایشان دارد؛

- حجم سروده‌هایشان بسیار بالاست و در بسیاری موارد قابل قیاس با حجم
کار هم‌تایان فارس آنها نیست؛

- اجرا و شعرخوانی خاصی دارند که در گزارش به آن پرداخته شده است؛
- حتی در سروده‌های فارسی، نگاه و زبان خاصی دارند که شعر آنها را از دیگر
اشعار متمایز می کند؛

- سوز و شور خاصی در شعرشان دیده می شود که ممکن است اثر ذاتی زبان
آذری باشد یا محصول نوع اجرای آنها یا حتی برآمده از شور و حال خود این
شعرا! البته نشانه‌های مورد سوم را در نثر همین گزارش هم می توان دید.

هر چه گشتیم مقاله و گزارش قابل اعتنایی در معرفی این گونهٔ شعر و شاعری نیافتیم؛ یعنی در این زمینه یا تحقیق نشده، یا اگر شده، به صورت محدود و گمنام بوده است. آنچه در زیر می آید گزارشی است از شعر و شاعری آیینی سرایان آذری زبان که یکی از شعرا و ذاکران آذری به نام عیسی ثاقب نگاشته است. وی به هر دو زبان شعر می سراید و مشهورترین اثر چاپ شده‌اش حدیث مهر در بلور شعر نام دارد که ترجمهٔ منظوم خطابهٔ غدیر است. او اکنون بیشتر به کار شعر آیینی کودک اشتغال دارد.

■ اقامهٔ عزای اهل بیت (علیهم السلام) در میان آذری زبان‌ها

شیعیان از هر قوم و قبیله با هر زبان و نژادی در طول تاریخ از هر فرصت و وسیله‌ای برای بزرگداشت عاشورا و امام حسین (علیه السلام) استفاده کرده‌اند. در میان اقوام و ملل شیعه مذهب جهان، مردم غیور و ولایت‌مدار آذری زبان نیز در این راه سعی بلیغ نموده و گام‌های بلندی

برداشته‌اند؛ به‌طوری که امروزه عزاداری برای امام حسین (علیه السلام) بخشی از هویت و شناسنامه این قوم و شیوه‌های سوگواری و شور و شعور آنان در این آیین‌ها، زبانزد دیگر شیعیان عالم است. این مطلب در بین اهالی هیئت‌ها مشهور است که می‌گویند: حضرت زهرا (علیها السلام) را در خواب دیده‌اند که ایشان فرموده‌اند: «برای فرزند من مانند ترک‌ها سوگواری کنید؛ زیرا آنها مانند مادران فرزند از دست داده برای فرزند من عزاداری می‌کنند».

مصادیق بارز این مطلب را در مراسم باشکوه آنان در سرزمین‌ها و استانهای ترک‌زبان کشور (مانند آذربایجان، اردبیل و زنجان) به‌خوبی میتوان دید. مراسم طشت‌گذاری یا مراسم اعلان عزا در اردبیل، مراسم شاه حسین (شاخسی) در تبریز، مراسم منحصر به فرد تاسوعای حسینی در زنجان - که پایتخت شور و شعور حسینی نام گرفته است - و همچنین دسته‌های بسیار زیادی که از شهرهای مختلف آذری‌زبان برای عزاداری در دهه آخر ماه صفر به مشهد مقدس مشرف می‌شوند. اکنون به معرفی اجمالی این رسوم می‌پردازیم.

مراسم طشت‌گذاری

یکی از رسم‌های بسیار با شکوه، به یاد ماندنی و مخصوص آذری‌زبانها (که از خطه قهرمان‌پرور اردبیل آغاز شده و از آنجا به سایر شهرهای آذری‌زبان گسترش یافته است) مراسم طشت‌گذاری یا اعلان عزاست. این مراسم معمولاً چند روز بعد از عید غدیر خم و قبل از شروع ماه محرم تشکیل می‌شود.

بنا بر آن چه در مقاتل آمده است، هنگامی که امام حسین (علیه السلام) در طول مسیر حرکت به سمت کوفه در یک بیابان بی‌آب و علف با سپاه حر ملاقات کرد، در حالی که حر و یارانش از تشنگی بیحال شده بودند و عده آنها به هزار سوار و هزار اسب می‌رسید، امام حسین (علیه السلام) به یارانشان فرمودند: آنها را پایین بیاورید و حر و یارانش را سیراب کنید. یاران امام حسین (علیه السلام) جامها و طشتها را پر از آب می‌کردند و به سپاه حر مینوشاندند؛ حتی اسبهایشان را سیراب نمودند. نوشته‌اند، یکی از افراد سپاه حر از شدت عطش توان آب خوردن از مشک را نداشت و آب از گوشه لبها به‌روی لباسهایش می‌ریخت. خود حضرت با آن همه جلالت از اسب پیاده شد و مشک را برایش نگه داشت تا سیراب شود.

مرحوم استاد شهریار این داستان را چه زیبا سروده است:

آب خود با دشمنان تشنه قسمت می‌کند عزت و آزادگی بین تا کجا دارد حسین دشمنش هم آب می‌بندد به روی اهل بیت داوری بین با چه قومی بی‌حیا دارد حسین در آیین ذکر شده، به یادبود این کرامت سیدالشهدا (علیه السلام)، شیعیان آذری زبان برای سوگواری گردهم می‌آیند و یک طشت را پر از آب می‌کنند و در بین عزاداران قرار می‌دهند. معمولاً در این مراسم یا روضه حضرت ابوالفضل العباس و یا مصیبت حضرت علی اصغر (علیه السلام) خوانده می‌شود و درمیان شور و حال و گریه حاضران، طشت را در بین عزاداران می‌گردانند و در پایان برنامه هرکس جرعه‌ای از آب آن طشت را جهت تبرک می‌نوشد. به چند بیت از اشعاری که در مراسم طشت‌گذاری سال ۱۳۸۹ ش، در مسجد جامع اردبیل توسط مداح اهل بیت (علیهم السلام) حاج محمد باقر اردبیلی خوانده شده است توجه فرمایید:

... رفعت نام حسین حقه جلالت ویردی

ساکنان فلکه رمز کرامت ویردی

یول کسن حرّه ده بو درس شرافت ویردی

یازدی تاریخه بو دور منطق و منشور حسین

نه قدر واردی جهان سونمیه‌جاق نور حسین

دیدى دنیا بیزیم عشقین گوره مشکلدی تاین

یا‌زا ایثاریمیزین خامه‌لر عاجزدی ساین

مشکیدن خالی ایدون اصغریمونده سو پایین

فکر طاعتده اولون ترک سر و جان ایلون

دولدورون طشتلری دشمنه احسان ایلون

قصه غصه‌میزه چشم زمان آغلی‌جاق

بولورم بو سو ایچنلر چوخ نورک داغلی‌جاق

منیم اطفالیمه حتی سو یولون باغلی‌جاق

معرفت بنده‌لیگه صاحب وجدانوندی

دشمنه یوخ دیماق اولماز بو سو زهرانوندی

ترجمه:

رفت نام حسین به حق و حقیقت جلالت بخشید
و به همه ساکنان فلک رمز کرامت را نشان داد
حتی به حُرّی که راه او را سد کرده بود درس شرافت را آموخت
او در تاریخ نوشت که این منطق و منشور حسین است
و تا زمانی که جهان باقی است نور حسین خاموش نخواهد شد
و همچنین فرمود که دنیا مثلِ عشق ما را هرگز نخواهد دید
و قلم‌ها از نوشتنِ ایشان عاجز هستند
اکنون حتی سهمیه آب علی اصغر را از مشک‌ها خالی کنید (و به اینان بنوشانید)
اکنون در راه طاعت خدا به فکر ترک سر و جان باشید
و (در راه خدا) طشت‌ها را از آب پر کنید و به دشمن احسان کنید
بر قصه غصه ما چشم زمان خواهد گریست
میدانم این افرادی که اکنون آب می‌نوشند، چه دل‌هایی را از ما خواهند سوزاند
و می‌دانم که همین افراد حتی راه آب را بر روی فرزندان من خواهند بست
اما معرفت در بندگی، از آن کسی است که وجدان بیداری دارد
با این همه به دشمن نه نمی‌توان گفت؛ چون این آب مهریه مادرم فاطمه است.

مراسم شاه حسین (شاخسی)

این مراسم بیشتر در شهر تبریز برگزار میشود. می‌گویند در شب عاشورا هنگامی که اکثر همراهان امام حسین (علیه السلام) آن حضرت را ترک کرده و میان دشمنان، تنها گذاشتند - و جز عده‌ای معدود با آن حضرت باقی نماندند - حضرت زینب (علیها السلام) به خیمه برادر می‌رود و با نگرانی از او سؤال می‌کند که آیا این افراد باقیمانده هم او را تنها خواهند گذاشت یا خیر؟ وقتی خبر این نگرانی به گوش جناب حبیب بن مظاهر می‌رسد، او همه یاران را کنار خیمه امام (علیه السلام) گرد می‌آورد و همه با شمشیرهای برهنه دور خیمه امام (علیه السلام) رژه می‌روند و اعلام وفاداری می‌کنند.

مراسم شاه حسین (شاخسی) یک حرکت نمادین و تقلید از همان حرکت جناب حبیب بن مظاهر و یاران اوست. این آیین در واقع تبلور روح سلحشوری و حماسی غیور مردان حسینی

این سرزمین است. یکی از نوحه‌هایی که اخیراً در این مراسم خوانده می‌شود این اشعار است:

شاخسی اوّلده بیر عده مفاخر باشلادی
پیروان میثم و عمار یاسر باشلادی
لیل عاشورا حبیب بن مظاهر باشلادی
بو جهتدندور بله شور و نوا شاخسی دهدی

ترجمه:

شاخسی را در ابتدا عده‌ای از مفاخر آغاز کردند
شاخسی را گروهی آغاز کردند که از پیروان میثم و عمار یاسر بودند
یعنی در شب عاشورا این کار را حبیب بن مظاهر آغاز کرد
از همین روست که این مقدار شور و نوا در شاخسی وجود دارد

در این مراسم - که بسیار مورد اقبال جوانان است - عزاداران در یک صف شانه‌به‌شانه کنار یکدیگر حرکت می‌کنند. نفر اول صف - که معمولاً از سادات و یا پیرغلامان محترم است و به او دسته‌باشی (سردسته) می‌گویند - دست چپ خود را بر شانه راست یا کمر فرد دوم صف قرار می‌دهد؛ فرد دوم هم به همین صورت به فرد سوم؛ تا انتهای صف که گاهی این صف یک زنجیره چند صد نفری را تشکیل می‌دهد. با صدای هر ضربه طبل یا آهنگ نوحه که همگی آن را تکرار می‌کنند، افراد حاضر در صف به صورت منظم یک قدم حرکت می‌کنند. در سال‌های نه‌چندان دور شرکت‌کنندگان در این آیین، شمشیری برهنه نیز در دست راست خویش می‌گرفتند و با سبکی خاص به حرکت درمی‌آوردند که حرکت منظم آن تعداد شمشیر، صحنه‌ای بسیار حماسی را خلق می‌کرد. اما در سال‌های اخیر به‌جای شمشیر از چوب‌های بلند و یک شکل استفاده می‌شود و یا بدون چوب و شمشیر فقط به سینه زدن می‌پردازند.

وجه تسمیه این مراسم به «شاخسی» هم این است که در آغاز این آیین، حاضران در نیمه ابتدای صف با صدایی بلند می‌گفتند: «شاه حسین» و افراد حاضر در نیمه انتهایی صف در جواب آنها می‌گفتند: «وای حسین»؛ در اثر تکرار زیاد، این دو عبارت در زبان محاوره‌ای به «شاخسی» و «واخسی» تبدیل شده است.

تاسوعای شهر زنجان (پایتخت شور و شعور حسینی)

حرکت دسته حسینیۀ اعظم زنجان یکی از عظیم‌ترین اجتماعات شیعیان جهان است که طبق یک سنت دیرینه، همه‌ساله در روز هشتم ماه محرم، مقارن با شب تاسوعای حسینی اجرا می‌شود. در این مراسم، شیعیان سوگوار در قالب دسته عظیم عزاداری از حسینیۀ اعظم زنجان به طرف امامزاده حضرت سید ابراهیم (علیه السلام) حرکت می‌کنند. در طول مسیر این دسته، هزاران رأس قربانی اعم از شتر، گاو و گوسفند ذبح می‌شوند و به همین علت شهر زنجان بعد از شهر مکه به عنوان بزرگترین قربانگاه جهان اسلام شناخته می‌شود. این روز در زنجان به روز ابوالفضل (علیه السلام) مشهور است.

عظمت و شکوه این برنامه و حضور دهها هزار نفری مردم به قدری است که نظیر آن در هیچ کجای ایران دیده نشده است؛ به همین جهت در اسفندماه سال ۱۳۸۷، این برنامه به عنوان دهمین میراث معنوی کشور ثبت گردید. از همین رو شهر زنجان در بین محافل مذهبی و فرهنگی کشور به عنوان پایتخت شور و شعور حسینی شناخته می‌شود. از جمله اشعار و نوحه‌هایی که سیل عظیم شرکت‌کنندگان در این مراسم به صورت یک صدا تکرار می‌کنند، این بیت است (شعر از استاد کلامی زنجان):

یل یاتار توفان یاتار یاتماز حسینون پرچمی

دیده دوران یاتار یاتماز حسینون پرچمی

ترجمه:

باد و توفان از وزش می‌ایستد؛ اما هرگز پرچم حسین از اهتزاز نخواهد افتاد
چشم روزگار به خواب خواهد رفت؛ اما هرگز پرچم حسین از اهتزاز نخواهد افتاد

■ ویژگی شیعیان آذری زبان در اقامۀ عزای اهل بیت (علیهم السلام)

مردم آذری زبان حتی اگر از شهر و زادگاه خود به نقطه یا شهر دیگری مهاجرت کنند، بعد از استقرار در شهر یا مکان بعدی - اگر چند همزبان خود را در آن محل بیابند - یکی از اولین اقدامات آنان، تأسیس یک هیئت عزاداری برای سیدالشهدا (علیه السلام) است. نمونه‌های بی‌شماری را می‌توان برای این موضوع بیان کرد. نمونه‌هایی که در شهرهای مختلف مصادیق فراوانی برای آن وجود دارد. در اینجا به برخی از مهمترین ویژگی‌های مشترک شیعیان آذری زبان در

اقامه عزای اهل بیت (علیهم السلام) اشاره می‌کنیم.

یکی از عمده‌ترین ویژگی‌های هیئت‌های عزاداری آذری زبانها استمرار (دائمی بودن) آنهاست؛ به این معنا که این مراسم از بدو تأسیس هیئت مزبور علاوه بر مناسبت‌ها (مانند: ماههای محرم و رمضان و روزهای میلاد یا شهادت ائمه (علیهم السلام)) در روزهای عادی نیز یک روز در هفته - که بانیان آن هیئت تعیین می‌کنند - به‌طور مستمر و بدون استثنا دایر است. از قدیمی‌ترین هیئت‌هایی که نگارنده توفیق حضور در آن را داشته است، هیئت عجم محله خیابان تبریز است که بر روی پرچم هیئت، سال ۱۲۰۰ق را به‌عنوان سال تأسیس آن درج کرده‌اند؛ یعنی بیش از ۲۳۰ سال از تأسیس این هیئت می‌گذرد. هیئت‌هایی از این دست و با این قدمت، در میان آذری‌زبانان بسیار است.

شرکت‌کنندگان در این هیئت‌ها خود را سرباز و نوکر امام حسین (علیهم السلام) می‌دانند و با علاقه و شوقی بی‌نظیر در این مراسم حاضر می‌شوند و ارادت خویش را به حضرات معصومین (علیهم السلام) نشان می‌دهند. به یاد دارم در دوران نوجوانی در دهه ۶۰ هر جمعه صبح به همراه پدر در هیئت مکتب الحسین آذربایجانی‌های مقیم مرکز توفیق تشریف داشتیم. یکی از پیر غلامان آن هیئت مرحوم آقای دکتر مجتهدی بود که می‌گفت از بدو تأسیس این هیئت در تهران (حدود سال ۱۳۳۱) یعنی حدود ۳۰ سال (در آن تاریخ)، در تمام جلسات هیئت حاضر بوده است.

■ خصوصیات ادبیات آیینی آذری‌زبان‌ها

۱- جلوه‌های شور و شعور

واقعاً شور و حال آذری‌زبان‌ها را در هنگام عرض ارادت به ساحت معصومین (علیهم السلام) با هیچ زبان و قلمی نمی‌توان توصیف کرد. باید در بین آنها باشید و زبان شیرین ترکی را هم بدانید تا حلاوت و خنکی این شراب طهور را با عمق جان احساس کنید و جرعه‌جرعه سر بکشید. نگارنده هیچ تعصبی نسبت به زبان ترکی ندارم؛ اما از اینکه زبان مادری‌ام ترکی است و می‌توانم مفاهیم اشعار شاعران مرثیه‌گوی ترک‌زبان را درک کنم خدای خویش را بسیار سپاسگزارم. یکی از دغدغه‌ها و غصه‌های همیشگی من در مواجهه با دوستان عاشق اهل بیت (علیهم السلام) که زبان ترکی را نمی‌دانند آن است که در گفت‌وگوهایی که در مورد نوحه‌ها یا مدایح اهل بیت (علیهم السلام) داریم نمی‌توانم آن مفاهیم بلند و بی‌نظیر (یا حداقل کم‌نظیر) را از ادبیات

فاخر مرثیه ترکی، به طرف مقابل منتقل کنم. به یاد دارم در ایام محرم چند سال پیش، یکی از مداحان اهل بیت (علیهم السلام) اشعار یک نوحه را به صورت زیبایی خوانده بود که در رسانه‌ها بازتاب وسیعی پیدا کرده بود. مضمون شعر، مضمونی بسیار معمولی و موضوعش اتمام حجت سیدالشهدا (علیه السلام) پیش از جنگ با سپاه کوفه بود که آن حضرت خودش را به سپاه دشمن معرفی می‌کرد. با یکی از همکاران - که از مداحان بسیار با اخلاص اهل بیت (علیهم السلام) هستند - گرم گفت‌وگو بودیم که یکی دیگر از دوستان، فایل صوتی آن مداحی را از تلفن همراه خود پخش کرد. رفیق مداح ما به من گفت: «می‌بینی چه مضامین و مفاهیم بلندی است! شما در ادبیات ترکی چنین مفاهیمی دارید؟». گفتم: «مفاهیمی بسیار بلندی (چه از لحاظ ادبی و چه از لحاظ معرفتی) داریم که اصلاً با این‌ها قابل قیاس نیست!» و سپس نمونه‌ای را از اشعار مرحوم انور اردبیلی را - که در همان مضمون سروده است - برایش خواندم و ترجمه کردم. با اینکه اگر شعر به زبان دیگری آن هم به صورت نثر ترجمه شود، از ملاحظت و زیبایی بسیار کاسته می‌شود، اما دوست مداح و رفیق دیگر ما در مقابل عظمت این مفاهیم و مضامین شگفت‌زده شدند و بی‌اختیار به گریه افتادند.

مقصودم از ذکر این خاطره و کلاً نوشتن این سطور، هرگز مقایسه یا ارزش‌گذاری ادبیات مرثیه فارسی و ترکی نیست؛ بلکه بیان ویژگی‌های خاص ادبیات رئایی ترکی برای دوستان فارسی زبان است.

۲- اخلاص؛ رمز جاودانگی

به نظر می‌رسد مهمترین ویژگی ادبیات آیینی ترکی این است که سرایندگان، این ابیات را نه با مرکب و جوهر که با خون جگر و عصاره قلب خویش و با نهایت ادب و از سر اخلاص بر صفحات دفتر رقم زده‌اند: هر سخن کز دل برآید لاجرم بر دل نشیند.

از این روست که کلام آنان، با گذشت زمان رنگ کهنگی و اندراس به خود نمی‌گیرد و همیشه تازه است. به جرأت می‌توان گفت که این شاعران، مورد تأیید خود حضرات معصومین (علیهم السلام) بوده‌اند که توانسته‌اند این شاهبازهای بلندپرواز معانی را صید کمند قریحه خویش سازند. چه بسیار شاعرانی که حتی سواد خواندن و نوشتن هم نداشته‌اند یا تحصیلات‌شان در همان حد مکتب‌خانه‌های قدیم و فقط در سطح خواندن و نوشتن بوده است؛ اما ابیات بسیار هنرمندانه

– ای در این باب خلق کرده‌اند و این، جز به تأیید آن ذوات مقدسه امکانپذیر نیست؛ شاعرانی مانند مرحوم صافی تبریزی، مرحوم حقیر خویی، بیضای اردبیلی و
 مرحوم صافی تبریزی در احوالات دفن شهدای کربلا، شعری در قالب چهار مصرع سروده است که مطلع آن چنین است:

حق ایستدی بیر نوعيله دفع محن ایتسون

امر ایلدی بیماره حسینه کفن ایتسون

یعنی: خداوند اراده فرمود که اندکی از اندوه اهل بیت علیهم‌السلام کاسته شود؛ از همین رو به امام سجاد علیه‌السلام دستور داد که امام حسین علیه‌السلام را تکفین و تدفین نماید.
 سپس به تشریح این داستان می‌پردازد تا به کیفیت دفن بدن مبارک حضرت علی اصغر علیه‌السلام می‌رسد و چنین می‌سراید:

مدفون ایلدی اصغریده گوز قاباقیندا

اولسون آتاسی حشره گلنده قوجاقیندا

وار ایندیده آثار عطش گل دوداقیندا

آند اولسون او بیماره که گلدی کفن ایتسون

یعنی: علی اصغر علیه‌السلام را هم در پیش چشمان او دفن کرد تا در روز قیامت و هنگامه حشر در آغوش پدرش باشد. هنوز هم آثار عطش بر روی لبهای چون گل علی اصغر علیه‌السلام باقی است؛ قسم به همان امام بیماری که او را دفن نمود.^۱

بین قدیمی‌ها و پیر غلامان هیئات آذری مشهور است که یکی از دوستان مرحوم صافی، مدام به وی اعتراض می‌کرد که الآن بیش از هزار سال از ماجرای کربلا می‌گذرد؛ تو از کجا میدانی هنوز آثار تشنگی بر روی لبهای حضرت علی اصغر علیه‌السلام باقی است و برای تأیید آن حتی به امام سجاد علیه‌السلام قسم یاد می‌کنی؟! مرحوم صافی، پاسخ می‌داد که باور من همین است و حرفم را عوض نخواهم کرد. می‌گویند پس از فوت مرحوم صافی – در یکی از مجالس ترحیم او – همان فرد اعتراض‌کننده با گریه بیان می‌کند که شب گذشته در عالم رؤیا دیدم که در بهشت قدم می‌زنم. در آنجا قصری بسیار باشکوه دیدم که از وسعت و زیبایی آن به

۱. ر.ک: صافی تبریزی، کلیات گنجینه حسینی صافی، ۲۷۹ و ۲۸۰.

حیرت افتادم. با خود گفتم: این قصر از آن چه کسی است و صاحب آن در ازای کدام عمل خیر چنین پاداش بزرگی دریافت کرده است؟ در همین افکار بودم که مرحوم صافی را در گوشه‌ای از قصر دیدم که همان بیت شعر را زمزمه می‌کند:

وار ایندیده آثار عطش گل دوداقیندا

آند اولسون او بیمار که گلدی کفن ایتسون

سپس رو به من کرد و گفت: فلانی! تو به این بیت من اعتراض داشتی؛ اما ببین که این قصر به این عظمت را به پاداش سرودن همین یک بیت به من عطا فرموده‌اند. از همین روست که تقریباً غیر ممکن است که در مجلسی، مثلاً روضهٔ دفن شهدا خوانده شود و تمام یا قسمتی از این اشعار مرحوم صافی خوانده نشود. جاودانگی این اشعار و اشعاری از این دست فقط ریشه در اخلاص و تقوای سرایندگان آن‌ها دارد که مورد توجه اهل بیت علیهم‌السلام قرار گرفته‌اند.

شاید بسیاری از شما بارها در مجالس سینه‌زنی این دوبیت را شنیده باشید:

بر مشامم میرسد هر لحظه بوی کربلا

بر دلم ترسم بماند آرزوی کربلا

تشنهٔ آب فرا تم ای اجل مهلت بده

تا بگیرم در بغل قبر شهید کربلا

آیا می‌دانید این اشعار از کیست و در چه سالی سروده شده است؟ هیچ توجه کرده‌اید که حتی قافیهٔ بیت دوم آن غلط است و «شهید» با «بوی» و «آرزوی» هم قافیه نیست؟! اما سالهاست که همین اشعار در محافل حسینی با آن کیفیت خاص و شور و حال ویژه خوانده میشود؛ در حالیکه اشعاری بسیار محکم‌تر و زیباتر از آن، چنین اقبالی ندارند. دلیل این اقبال، جز اخلاص شاعر آن و تأیید خود ارباب بی‌کفن چه چیز دیگری می‌تواند باشد؟ از این قبیل نمونه‌ها در ادبیات آیینی آذری فراوان وجود دارد که در اکثر محافل خوانده میشود و با اینکه بیشتر شنوندگان، این ابیات را درحافظهٔ خود دارند، اما همیشه اثر خویش را بر خواننده و شنونده می‌گذارد. بسیار دیده شده که وقتی مادحان اشعاری جدید از شعرای معاصر را می‌خوانند و احساس می‌کنند که مجلس گرم نمی‌شود، یک یا چند بیت از این نوحه‌های قدیمی را چاشنی کار خویش قرار می‌دهند. اکنون تبرکاً چند نمونه از این اشعار را می‌آوریم؛

ابیاتی که اگر شما مصراع اول آنها را برای یک هیئتِ آذری زبان بخوانید، حتماً مصراع دوم آن را با شما زمزمه خواهد کرد:

ای شه مظلوم حسین وای وای
 بیکس و مغموم حسین وای وای
 حسینه یرلر آغلار گوگلر آغلار
 بتول و مرتضی پیغمبر آغلار

یعنی (بیت دوم): زمین‌ها و آسمان‌ها برای امام حسین (علیه السلام) گریه می‌کنند؛ بتول و مرتضی و پیغمبر برای او گریه می‌کنند.

گل باجی گل دایانما میداندا قان توکوللر
 عباسیمی یخوبلار تیر و سنان توکوللر

یعنی: خواهر بیا و درنگ مکن، دشمنان در میدان مشغول خونریزی هستند؛ عباسم را از اسب سرنگون کرده و بدن او را آماج تیر و نیزه نموده‌اند.

نجه قان آغلاماسین داش بو گون
 کسلیب یتیمیش ایکی باش بو گون

یعنی: امروز چگونه سنگ خون نگرید؛ از این غم که امروز هفتاد و دو سر بریده شده است.

هانسی گروهین بله مولاسی وار
 شیعه لرین حضرت عباسی وار

یعنی: کدامین گروه در جهان چنین مولایی دارند؟ این شیعیان هستند که مولایی چون حضرت عباس دارند.

آخدون عالمده ندن کوه و بیابانه فرات

اولمادون قسمت حسینه دونه سن قانه فرات

یعنی: ای آب فرات! چرا این گونه به کوه و بیابانها جاری شدی؟ ای کاش، از آن رو که قسمت امام حسین (علیه السلام) نشدی به خون تبدیل شوی.

۳- گستردگی و بسط موضوع

دیگر ویژگی قابل توجه در ادبیات آیینی آذری زبان‌ها، گستردگی و ریز شدن در هر موضوع

است؛ هر روضه‌ای را که در نظر بگیرید به بخش‌های کوچکتر تقسیم شده و هر یک از این بخش‌ها نیز به صورت مبسوط تشریح گردیده است. نمونه این موضوع روضه‌ی حضرت علی اکبر (علیه السلام) (از کتاب درّ بی نظیر یا دیوان حقیر؛ اثر مرحوم میرزا عبدالوهاب خویی متخلص به حقیر) است که آن را مرور می‌کنیم؛ اشعار اکبریّه این کتاب به تفکیک عنوان و تعداد ابیات بدین شرح است:

- مکالمه بلبل مدینه جناب سکینه (علیها السلام) با شاهزاده اعظم حضرت علی اکبر (علیه السلام)؛ ۲۲ بیت در قالب قصیده؛

- زبان حال جناب سکینه (علیها السلام) به حضرت علی اکبر (علیه السلام)؛ شامل ۱۴ چهار مصراع شعر نوحه است.

- زبان حال جناب سکینه (علیها السلام) در وداع حضرت علی اکبر (علیه السلام)؛ شامل ۱۳ چهار مصراع شعر نوحه است.

- زبان حال جناب سکینه (علیها السلام) به حضرت علی اکبر (علیه السلام)؛ ۱۴ بیت در قالب قصیده.

- اظهار تسلی در جواب حضرت علی اکبر به خواهرش حضرت سکینه (علیها السلام)؛ شامل ۱۴ چهار مصراع شعر نوحه.

- زبان حال حضرت علی اکبر به خواهرش (علیها السلام)؛ شامل ۱۴ بیت در قالب قصیده.

- زبان حال جناب ام لیلا به حضرت علی اکبر (علیه السلام)؛ شامل ۱۸ بیت در قالب قصیده. زبان حال جناب سکینه در وداع حضرت علی اکبر (علیه السلام)؛ ۱۲ چهار مصراع شعر نوحه.

- در عزم رزم شاهزاده اعظم حضرت علی اکبر (علیه السلام) (وداع مادر و فرزند)؛ ۴۱ بیت در قالب مثنوی.

- زبان حال آن حضرت در جواب حضرت لیلا؛ ۸ بیت در قالب غزل.

- ایضاً وداع حضرت علی اکبر (علیه السلام) و زبان حال مادر غم‌پرورش؛ ۶۵ بیت در قالب مثنوی.

- در بیان مجاهده عقل و عشق و استیلاهی عشق به طریق استعاره؛ (در

میدان رفتن حضرت علی اکبر (علیه السلام)؛ ۲۵ بیت در قالب قصیده.

- ذکر احوال شاهزاده اعظم حضرت علی اکبر (علیه السلام) (شجاعت و رجز آن حضرت)؛ ۲۳ بیت در قالب قصیده.

- ذکر عزیمت شاهزاده و مشایعت امام مظلوم (علیه السلام) (وداع با پدر)؛ ۳۶ بیت در قالب قصیده و دارای ردیف.

- زبان حال امام مظلوم کربلا خطاب به لشکر کوفه (پس از مشایعت فرزند)؛ ۲۵ بیت در قالب مثنوی.

- زبان حال امام مظلوم کربلا خطاب به لشکر کوفه (پس از مشایعت فرزند)؛ ۳۰ بیت در همان مقال پیشین، اما در قالب قصیده و دارای ردیف.

- عزم میدان شاهزاده اعظم و مراجعت او و اظهار عطش؛ ۹۸ بیت با حفظ وزن؛ گاه به گاه با طرز زیبایی قالب شعر از مثنوی به قصیده و بالعکس تبدیل شده است.

- زخم داری (زخم خوردن) شهزاده اعظم و از اسب افتادن او؛ ۲۱ بیت در قالب قصیده.

- تشریف آوردن امام مظلوم به بالین شبیه پیغمبر؛ ۴۹ بیت در قالب قصیده مرثیه.

- زبان حال شاه دین بر سر نعش فرزند دلبنده؛ ۱۴ چهار مصراع نوحه سینه زنی.

- سؤال و جواب (گفت و گو) امام مظلوم با فرزند دلبنده؛ ۴۵ بیت در قالب ترکیب بند که دارای ۴ بند با تعداد ابیات متفاوت است.

- حمل جنازه شبیه پیغمبر (علیه السلام) به خیمه گاه و نوحه سرایی اهل بیت (علیهم السلام)؛ ۲۰ بیت در قالب قصیده.

این ۲۲ عنوان، تنها عناوین یکی از کتب شعر آیینی و فقط از یک شاعر است؛ در حالیکه به عناوین زیادی نیز نپرداخته است. به عبارت دیگر در کل ادبیات آیینی ترکی، بعضاً هر یک از این عناوین ریزتر شده و به صورت مبسوط تری شرح گردیده است؛ طوری که در ذیل هریک

از این عناوین به قدری شعر وجود دارد که به سختی قابل احصاست. به جرأت می‌توان ادعا کرد که به‌طور اختصاصی در مورد هریک از این موضوعات، می‌توان دیوانی جداگانه در چندین مجلد فراهم کرد.

شاید به نظر بعضی‌ها، این طول کلام، قصه‌پردازی و اطناب مطلب باشد؛ اما واقعیت چنین نیست و شعرا حقایق و مطالب بسیاری را در قالب زبانحال بیان کرده‌اند. با مراجعه به هر یک از دیوان‌های شعرای به‌نام مرثیه‌سرای آذری، در هر موضوع چنین طول و تفصیلی قابل مشاهده است؛ به عبارت دیگر، هیچ مطلب و موضوعی در هیچیک از زمینه‌های مصائب اهل بیت (علیهم‌السلام) - به‌ویژه در قصه کربلا و عاشورا - یافت نمی‌شود مگر آنکه در مورد آن، اشعار مفصل و متعددی وجود دارد.

اثرات این گستردگی

وجود این گستردگی در ادبیات آیینی ترکی سبب شده است که نوحه‌خوانان قدیمی و باسابقه - به‌خصوص در میان هیئت‌های تبریز - به این مسأله معتقد و پایبند باشند که هر روز نوحه و شعر مناسب همان روز، یا حتی همان ساعت را بخوانند و هرگز از موضوع شعر خارج نشوند. هر تعداد نوحه‌خوان و ذاکر در جلسه حضور داشته باشند، همه باید موضوعی را که اولین نوحه‌خوان - به اقتضای مناسبت - خوانده است بخوانند و هر نوحه‌خوان مطلب را هر کجا که تمام کند، نوحه‌خوان بعدی مطلب خویش را باید بدون مقدمه از همان نقطه، از همان شاعر یا شاعر دیگری شروع کند و ادامه دهد؛ مثلاً اگر موضوع ذکر مصیبت، مصائب حضرت ابوالفضل (علیه‌السلام) باشد و نخستین نوحه‌خوان از اجازه میدان گرفتن آن حضرت بخواند و منبر را تحویل دهد، مداح بعدی باید بلافاصله بعد از او مطلبی را که دقیقاً ادامه همان مطلب است بخواند و چنین نیست که مثلاً به روضه مشک بپردازد. این مسأله استادی و تسلط بسیاری را می‌طلبد که هر نوحه‌خوان موفق باید آن را دارا باشد.

حاج محسن عسکری تبریزی از مداحان پیشکسوت آذری زبان - که حافظه و میزان اشعاری که این مرد در سینه دارد واقعاً مایهٔ اعجاب است - نقل می‌کرد:

در ایام جوانی در یکی از هیئت‌های شهر تبریز انجام وظیفه می‌کردم. عصر روز عاشورا بود و روضه غارت خیام را خوانده بودند و دقایقی به غروب

آفتاب مانده بود. کم کم هوا رو به تاریکی می‌رفت. نوبت انجام وظیفه و شعر خواندن من شد. من به خیال خودم به اقتضای زمان (غروب عاشورا) خواستم شعر مربوط به غروب عاشورا بخوانم و با این مصراع فارسی شروع کردم: «روز عاشورا گذشت و شب رسید...». مجری جلسه رو به من کرد و با تشر گفت که هنوز روز عاشورا نگذشته و شب فرا نرسیده است؛ اگر شعر مقتضی نداری بنشین تا دیگری مطلب را ادامه دهد!

این مطلب اغراق نیست و این رسم در هیئت‌های باسابقه رعایت می‌شود و از هیچ موضوعی به صورت سطحی عبور نمی‌کنند.

۴- استناد به آیات و روایات

ویژگی دیگر ادبیات آیینی آذری‌زبانها که بسیار حائز اهمیت است، مستند بودن آن به آیات قرآن، روایات صحیح السند و مقاتل معتبر است. البته این مطلب به این معنای نبودن اشعار بی‌سند، خیالی و یا ضعیف نیست. در قدیم شاعران در انجمن‌های ادبی (که صرفاً اشعار آیینی در آنجا خوانده می‌شد) اشعار خود را به تیغ نقد اساتید می‌سپردند و به همین دلیل بیشتر آثار قدما، هم از لحاظ معرفتی و هم از لحاظ ادبی چون ستاره‌هایی درخشان در آسمان ادبیات می‌درخشند. شاعران امروز کمتر به این موضوع توجه دارند و در بعضی موارد حتی نقد اهل فن را بر نمی‌تابند؛ از همین رو گاه اشعار ضعیف و مطالب بی‌سند در میان آثار معاصرین به چشم می‌خورد. یکی از این مرثیه‌سرایان که اشعارش از لحاظ روایی و سندی بسیار معتبر است، مرحوم سید رضا حسینی تبریزی است که کتاب‌ها و اشعار این شاعر دلسوخته اهل بیت (ع) را میتوان نوعی مقتل منظوم نامید. وی تحصیلات عالیّه حوزوی دارد به دلیل و احاطه بر اخبار، روایات و مقاتل، آثار بسیار فاخری را به یادگار گذاشته است.

می‌گویند: اعضای یکی از هیئات ترک‌زبان به منزل مرحوم آیت الله میلانی در مشهد می‌روند و در حضور آن مرجع بزرگ به عزاداری می‌پردازند. مداح هیئت، این شعر معروف را از مرحوم حسینی می‌خواند:

قربان اولوم جلالته یا ابالحسن

چوخ شایقم زیارتوه یا ابالحسن

تا به این چهار مصراع میرسد:
 جدّون اوزی بيله بویور و بدور مُفَضَّلَه
 قرآندی اصل مدرکی روشندی مسئله
 واللّهی قبریدن دورا جاقدر گوله گوله
 قائل اولان ولایتوه یا ابالحسن

آن مرجع بزرگ از زیبایی این شعر و مستند بودن آن به وجد می‌آید و صلّه شایسته‌ای به نوحه‌خوان مذکور می‌دهد.

این اشعار در صفحه ۲۷۹ کتاب ۱۴ معصوم (علیه السلام) اثر حسینی آمده است. مرحوم حسینی در پایان این شعر به ذکر اسناد این روایت در هامش کتاب می‌پردازد و پس از ذکر ۴ آیه از قرآن، چنین می‌نویسد: «از صفحه ۴۱۹ الی ۴۲۴ کفایه الخصام، علاوه بر این‌ها آیات زیادی در حق علی بن ابی طالب (علیه السلام) و شیعیان آن بزرگوار نازل شده است که دالّ بر نجات اهل ولایت است که ذکر همه آنها باعث تطویل کلام می‌گردد». او پس از بیان این مطالب چنین ادامه می‌دهد: «حدیث شریف نبوی: قال رسول الله ﷺ: من أحب أن یلقى الله ضاحكاً مستبشراً فلیوال علی بن موسی الرضا (علیه السلام) مناقب ابن شاذان».

بنده، این اشعار را در همان قالب و وزن به فارسی ترجمه کرده‌ام:

ای من فدای عزت تو یا ابالحسن
 دارم سر زیارت تو یا ابالحسن
 دادست جدّ تو به مُفَضَّل چنین خبر
 قرآن سند بود به همین قول معتبر
 بالله ز حشر خنده کنان می‌کند گذر
 دلداۀ ولایت تو یا ابالحسن

شرح این ویژگی اشعار مرحوم حسینی و دقایق شعری او، خود گفتار و نوشتاری مستقل و مبسوط می‌طلبد.

۵- روح حماسه و سلحشوری

توجه به بُعد حماسی جریان عاشورا نیز از دیگر ویژگی‌های مرثیه‌سرایان آذری است. آنان

گاه شدیدترین و غمبارترین مصائب را با عینک حماسه به نظاره می‌نشینند و از این زاویه به موضوع می‌نگرند. نمونه روشن این مفهوم را نیز در مثالی از شعر فارسی مرحوم حسینی می‌توان مشاهده کرد. به راستی چه مصیبتی سنگین‌تر و سخت‌تر از شهادت سیدالشهدا (علیه السلام) قابل تصور است؟ اما مرحوم حسینی از زاویه حماسه به این مصیبت بزرگ می‌نگرد. او این فاجعه عالم‌سوز را از زبان حضرت زینب (علیها السلام) در گفت‌وگو با بدن پاره‌پاره و عریان امام حسین (علیه السلام) این‌گونه به تصویر می‌کشد:

الا ای نور چشم شاه لولاک
ز داغت داغدار آفاق و افلاک
تو را این قوم دون ار کرده صد چاک
تنت بی پیرهن افتاده بر خاک
حقیقت هر چه عریان‌تر چه بهتر^۱

این نمونه‌ای از این دست اشعار است. در بیشتر موارد همه‌ی تلاش شاعران متعهد آذری زبان بر این بوده است که مبادا از اشعار آنان کوچکترین گردی بر ساحت مطهر عزت‌خاندان عصمت و طهارت بنشیند. آنان در ذکر شجاعت و شهامت هر یک از افراد خاندان عصمت و طهارت تصاویر بی‌ظنیری آفریده‌اند که شور حماسه را در هر خواننده و شنونده‌ای به‌وجود می‌آورد.

نمونه‌ای دیگر را از مرحوم رحیم منزوی اردبیلی می‌آوریم؛ اشعاری در قالب مخمس درباره حضرت علی اکبر (علیه السلام) در بحری بسیار مطمئن که هر خواننده‌ای را چنان به وجد و سرور می‌آورد که بی‌اختیار اشک شوق می‌ریزد. این مخمس که به «اکبره باخ» مشهور است، شیوه جنگاوری و شجاعت حضرت علی اکبر (علیه السلام) را بیان می‌کند. اکنون به گوشه‌ای از زیبایی‌های این شعر می‌پردازیم.

مرحوم منزوی پس از بیان مبارزه و میدان‌داری حضرت علی اکبر (علیه السلام) و در ماندگی فرماندهان سپاه در مقابل آن حضرت به این جا می‌رسد که عمر سعد به پهلوانی به‌نام طارق وعده می‌دهد که اگر حضرت علی اکبر (علیه السلام) را به شهادت برسانی من حکومت موصل را به‌عنوان پاداش برای تو تضمین می‌کنم. طارق که پهلوانیست دلیر و مبارزی جنگاور، با شنیدن این وعده تطمیع

۱. حسینی، نجوم درخشان (مجموعه اشعار)، ۲۵۴/۱.

می‌شود و با تکبر و تبختر تمام به جنگ تن به تن با حضرت علی اکبر (علیه السلام) رو می‌آورد؛ اما در دم طعمه شمشیر آن حضرت می‌شود. شاعر، جریان هلاکت این ملعون را این گونه به تصویر کشیده است:

موصلی بیمیم ایلدی وصل اونی نیرانه چکه
وصله چکوبدور بیر الف واصل ایدوبدور درکه
قاندان ايله تیغ چحوب دوشمدی شمشیره لکه
قالمادی اوغلانلاریدا مالک اولما ترکه
عاقبت بدتره باخ اکبره باخ اکبره باخ ۱

یعنی: علی اکبر (علیه السلام) در ابتدا «موصل» را - که طارق به طمع حکومت بر آن به جنگ آمده بود - بی‌میم کرد و «موصل» را به «وصل» تبدیل نمود تا وصل او را به نیران بکشد. سپس با ضربتی دیگر یک «الف» به «وصل» باقی مانده افزود و آن ملعون را به درک «واصل» کرد! او با چنان سرعتی شمشیر را از بدن طارق عبور داد که بر روی شمشیر لکه نیفتاد. بعد از طارق فرزندان هم طعمه شمشیر علی اکبر (علیه السلام) شدند و زنده نماندند که مالک ما ترک طارق شوند. بدترین عاقبت را تماشا کن؛ اکبر را تماشا کن؛ اکبر را تماشا کن.

نمونه دیگر از این اشعار را از شاعر معاصر آذری زبان آقای عسکر شاهی اردبیلی ذکر می‌کنیم. وی در بیان شجاعت حضرت ابوالفضل (علیه السلام) در هنگام مبارزه با دشمنان، زبان شعر حماسی خود را به فارسی تغییر داده است و به همین دلیل بهتر می‌توان این مفهوم را به خوانندگان عزیز فارسی زبان منتقل کرد. شعر با این مصراع شروع می‌شود:

زین اوسته ظاهر اولدی ضرغام کوه پیکر

یعنی: ضرغام کوه‌پیکری بر روی زین ظاهر شد.

سپس به توصیف شهامت و مبارزه سردار کربلا می‌پردازد تا به اینجا می‌رسد:

سس سالدی رزمگاهه جاء الاجل صفیری

ترجمه: در رزمگاه صفیر جاء الاجل پیچید.

۱. منزوی اردبیلی، صد قافیه از مدینه تا مدینه، ۱۱۹.

در این قسمت به یکباره شعر را به فارسی ادامه می‌دهد:^۱

بنگر به این دلاور، بنگر به این دلیری

با ریش خصم سازد از نیزه گردگیری

کارد درخت آهن در استخوان لشکر

این روح سلحشوری و حماسی در اشعار آذری‌ها، نه فقط در توصیف جنگ‌آوری‌های شیر مردان علوی، بلکه در توصیف حالات اسرای کربلا یا حتی در بیان حالات شهید شیرخوار نینوا - که به مظلومانه‌ترین شکل ممکن به شهادت رسیده است - نیز به خوبی دیده می‌شود.

■ دسته‌بندی کلی اشعار از نظر لحن کلام

به‌طور کلی شاعران مرثیه‌سرای آذری‌زبان، وقتی از زبان اهل بیت رسالت (علیهم‌السلام) سخن گفته‌اند، زبان حال این حضرات را به سه لحن متفاوت سروده‌اند که هر کدام ویژگی موضوعی خاص است:

۱- هر جا خواسته‌اند از زبان این بزرگواران با خدا راز و نیاز کنند یا گفت‌وگوی یکی از این حضرات را با یکی دیگر از خاندانشان بازگو کنند، متعالی‌ترین مضامین عاشقانه و عارفانه را به کار برده‌اند. مرحوم ذهنی‌زاده تبریزی در بیان راز و نیاز امام حسین (علیه‌السلام) در قتلگاه از زبان امام (علیه‌السلام) چنین می‌سراید:

یارب تمام عالم امکان سنونکیدور

ذرات کائنات کماکان سنونکیدور

اولدن آفرینشه وابسته هر نه وار

آینده و گذشته و الان سنونکیدور...

... نقش وجودیمی یارامین چوخلوقی پوزوب

پوزقون وجود زخم فراوان سنونکیدور

قالمیشدی یارھسیز بو دل داغدیده لیک

باخموب خدنگ بو دل سوزان سنونکیدور

تیز گلدی وردی یخدی داغیتدی گوگل اوین

۱. عسکرشاهی اردبیلی، شرح بی‌نهایت، ۱۱۵.

زیر و زبر بو خانه‌ی ویران سنونکیدور
 سنموش گوگلده سنله دیدیم خلوت ایلروخ
 معراجہ یوخ نیاز که هر یان سنونکیدور^۱

ترجمه :

یارب تمام عالم امکان از آن توست (ذرات کائنات کماکان از آن توست)
 از ابتدای آفرینش هر چیزی که در هستی وجود دارد
 آینده و گذشته و الان از آن توست
 نقش وجود بدنم را کثرت جراحات برهم زده است
 این بدن پریشان و این زخم فراوان از آن توست
 تنها جایی از بدنم که هیچ جراحتهی نداشت دل داغیده‌ام بود
 اما خدنگ دشمن ذره‌ای اعتنا نکرد که این دل سوزان از آن توست
 به سرعت تیر ستم آمد و خانه دلم را مجروح کرد و به هم ریخت
 این خانه‌ی زیر و زبر شده و ویران از آن توست
 در خاطر من بود که در دل شکسته با تو خلوت خواهم کرد
 هیچ احتیاجی به معراج و عروج نیست؛ چون همه مکان‌ها از آن توست

شاعر دیگری نیز در همین مقال با همین قافیه و وزن، جواب خداوند را به امام علی(ع) - به زبان حال - چنین می‌سراید:^۲

حنّان دیمه تلفظی مشکلدی لبلره
 یا حافظیله قادر و مّنان سنونکیدور
 «ارنی» دینلره ئوزوی یاخجی ویر نشان
 موسی یخان او پر تو تابان سنونکیدور
 ارنی دیمز جمال خدا ئوز جمالینه
 وجه اللهی که پرده چکوب قان سنونکیدور

۱. ارمغان تائب تبریزی / جلد دوم / صفحه ۷۰

۲. شاعر این اشعار مشخص نبود و نگارنده آن را از یکی از نوادرهای استاد سلیم مؤذن‌زاده اردبیلی شنیده است.

قاتل الینده خنجره باخ گور جمالیمی
 قان ایچره بو شمایل لرزان سنونکیدور
 ویر هر کسه ویرورسن ئوزون قول جتی
 حکم ایله اهل محشره دیوان سنونکیدور

ترجمه:

برای یاد کردن من لفظ یا حنان را به کار نبر زیرا تلفظ آن برای لب‌های خشکیده
 از عطش زحمت دارد

همه نام‌های من از قبیل یا حافظ و یا قادر و یا منان از آن توست
 به همه کسانی که «ارنی» می‌گویند خودت را خوب نشان بده
 چرا که آن پرتوی که تابشش موسی کلیم را به زمین افکند از آن توست
 کسی که مظهر جمال الله است هرگز ارنی نمی‌گوید
 زیرا وجه الهی که بر آن خون پرده کشیده است از آن توست
 اگر می‌خواهی جمال مرا ببینی به خنجر در دست قاتل نگاه کن
 انعکاس جمال خودت را در دست لرزان قاتل ببین که این شمایل خونین از آن توست
 به هر کس که دوست داری خودت قول بهشت بده

و در روز محشر حکمرانی کن که همه‌ی دیوان محشر از آن توست
 ۲- هر جا از زبان این حضرات با دشمنان و مخالفان به صحبت نشست‌اند، از موضع قدرت و عزت
 سخن گفته‌اند و عالی‌ترین و ژرف‌ترین مضامین معرفتی را با بیانی حماسی به تصویر کشیده‌اند.
 مرحوم قمری دربندی در احتجاج امام حسین (علیه السلام) با لشکر شام - به زبان حال - چنین سروده است:

ای قوم بی غیرت بولون من ملک دین داراسیم
 جاه و جلالت چرخینون مهر جهان آراسیم...
 ... جاه و جلال و رتبهده من هاردیام آدم هارا
 اصل وجود آدمین من علم الاسماسیم
 شأنیمده واردور نوحدن ترجیح رجحانیم منیم
 فُلك نجات اتم دین عروه الوثقی سیم
 مقصود اصل کن فکان نور خدای لامکان

اسلامین ای فرعونیان دریا یاران موساسیم...
 «یا رب کیف تحیی الموتی» دین دمدہ خلیل
 احیای نفس طیر ایچون من محیی الموتی سیم
 اسحاق و اسماعیلدن اشرف منم ذبح عظیم
 حقّین صفا و زمزمی هم مکه هم میناسیم
 سینهمدی قرآن دفتری، علم لدنی مظهری
 تنزیل وحی منزلون یاسینیم طاهاسیم...^۱

ترجمه:

ای قوم بی غیرت بدانید که من دارای ملک دین هستم
 من آفتاب چرخ جاه و جلالت هستم
 شأن و مرتبه من کجا و مقام و رتبه آدم (علیه السلام) کجا؟
 زیرا من اصل مفهوم «علم آدم الاسماء» هستم
 در شأن و مقام بر حضرت نوح (علیه السلام) هم ترجیح و برتری دارم
 من کشتی نجات امتها و عروة الوثقی دین هستم
 مقصود اصل کن فکان نور خدای لامکان
 ای فرعونیان، موسای دریا شکاف امت اسلام من هستم
 هنگامی که حضرت ابراهیم (علیه السلام) «یا رب کیف تحیی الموتی» گفت
 احیاگر نفس پرندگان برای حضرت ابراهیم (علیه السلام) من هستم
 من شریف تر از اسحاق و اسماعیل و معنای ذبح عظیم هستم
 روح صفا و زمزم و مکه و منا من هستم
 سینه من دفتر قرآن است و من مظهر علم لدنی هستم
 من مصداق یاسین و طاهای تنزیل هستم

۳- پس از دو مورد ذکرشده - یا در لابه لای آنها - با تارهای ظریف خیال و احساس به ناگهان به جنبه سوگواری و مویه کردن و گریستن و گریاندن پرداخته‌اند. مرحوم انور اردبیلی

این هر سه (جنبه‌های معرفتی، حماسی و مَبکی بودن) را در این اشعار جاودانی خویش جمع کرده است؛ او در قصیده‌ای مطوّل که با توصیف حضرت زینب (علیها السلام) آغاز می‌شود و مقامات و کمالات بی‌بدیل این بانو را از زبان خود آن بی بی بیان می‌کند، پس از فصلی قابل توجه، به وداع امام حسین (علیه السلام) می‌رسد و چنین می‌سراید:

سسلندی زینب عتر تیمون هاموسون چاغور
بیر بیر گوروم بالالاریمی سال یولا منی
از بس گدوب منایه خیامه قیتیمیشم
چوخ یورقونام یوروبدی بو غملی فضا منی
دینجلرم جبینیمی توپراقه قویماسام
آغوشه آلماسا باجی خاک شفا منی
حاجت نمازیمون یتشوب وقتی قیل شتاب
گوزلور دالیمجا چکماقا صف انبیا منی
روح القدس اذان دیجاق یوخدی اکبریم
عشق الهی گور یتروبدور هارا منی
خولی منه اتاق بز یوب تز سالون یولا
حسرتدی سینیه آلا مطبخ سرا منی
زهرا ده منتظردی حسینی یو باتمیون
چوخ ایستیر شفیعهی روز جزا منی
گت خیمهدن ننم توخیان کوینگی گتیر
زهرا آنام که یوخ سن ایله جابجا منی ۱

ترجمه :

فرمود: زینب! همه عترتم را خبر کن
تا با یکایک فرزندانم وداع کنم و مرا راهی میدان کن
از صبح امروز از بس که به میدان رفته و به خیمه بازگشته‌ام

۱. انور اردبیلی، قیام زینب، ۲۷۰ و ۲۷۱.

بدنم بسیار بسیار کاهیده شده و این فضا تنم را خسته کرده است
تا پیشانیم را برای سجده بر خاک نگذارم خستگی از تنم بیرون نخواهد رفت
باید که خاک شفا مرا در آغوش بگیرد تا از رنج‌های این تن آسوده شوم
گذشته از این‌ها، وقت ادای نماز حاجت من رسیده است؛ پس درنگ مکن
تمام ارواح انبیا منتظر من هستند تا برای اقامه این نماز پشت سر من صف بکشند
اذان این نماز را روح القدس خواهد گفت؛ چون اکبر اذان گویم به خون غلطیده است
تماشا کن که عشق خداوند مرا به کجا رسانده است
خولی برای من اتاقی تزئین و مهیا کرده است؛ پس هرچه زودتر مرا راهی میدان کنید
مطبخ سرای خولی در حسرت است که سرم را به سینه کشد
زهرای (ع) نیز چشم به راه من است؛ پس رفتن مرا به تأخیر نیندازید
شفیقه روز جزا مرا بسیار دوست میدارد
زینب! به خیمه برو و پیراهنی را که مادرم برایم بافته است، بیاور
مادرم زهرای (ع) در کربلا نیست؛ پس تو برایم مادری کن

■ دکلمه کردن

گسترده‌گی، وفور و فخامت ادبیات آیینی آذری، خودبه‌خود طبعی مشکل‌پسند و روحیه‌ای
انتخابگر در میان آذری‌زبان‌ها ایجاد کرده است. مستمعین حاضر در محافل و هیئات آذری،
بیشتر از نوا و آهنگ، به دنبال شنیدن مفاهیم بکر و مطالب متعالی هستند. این طرفه موجب
به‌وجود آمدن سبک و شیوه دکلمه‌خوانی در میان گروهی از مباحثان آذری گردیده است؛
شیوه‌ای که از دیگر اختصاصات جلسات ذکر مناقب و مصائب اهل بیت (ع) در میان آذری -
زبان‌هاست. به غیر از شاعران که تقریباً همه آنان اشعار خویش را به‌صورت دکلمه می‌خوانند،
گروهی از ذاکران هستند که اشعار شعرا را به این صورت اجرا می‌کنند و مفاهیم را چه‌بسا بهتر
به مخاطبان انتقال می‌دهند. اساتید به‌نامی در این عرصه وجود دارند؛ شعری مانند: حاج ولی
الله کلامی زنجانی و حسین غفاری اردبیلی و مداحانی چون استاد حاج فیروز زیرک کار و حاج
محسن عسکری.

■ اسامی چند نفر از شعرا

بهراستی احصا نمودن اسامی شعرای مدیحه‌سرای آذری برای کسی امکان‌پذیر نیست. بی‌شک اسامی این نامداران در طومار خود سیدالشهدا (علیه‌السلام) ثبت است؛ اما اسامی چند تن از آنان را (مرحومین و معاصرین) یادآور می‌شویم:

مرحومین: غشی؛ لعلی؛ قمری دربندی؛ شکوهی مراغه‌ای؛ دخیل؛ دلخون؛ زائر؛ روفه‌گر (رفوگر)؛ صافی تبریزی؛ شانی؛ تاج‌الشعرا یحیوی؛ نخستین اردبیلی؛ مضطر اردبیلی؛ بیضای اردبیلی؛ خوندل تبریزی؛ صحاف تبریزی؛ شهاب؛ کلامی تبریزی؛ کهنمویی؛ یتیم؛ هندی؛ شاکر؛ آصف؛ راثی؛ حجازی؛ هادی؛ ذوقی؛ خازن؛ اعظمی؛ ذهنی؛ ذهنی‌زاده؛ حسینی (سعدی زمان)؛ عاصم زنجانی؛ منزوی اردبیلی؛ انور اردبیلی؛ خالق فکری؛ تائب تبریزی؛ استاد عابد تبریزی؛ صراف؛ شب‌خیز و صدها شاعر زرین قلم دیگر.

شعرايي که اکنون در حياتند: ولی الله کلامی زنجانی؛ غلامرضا عینی فرد زنجانی؛ حسین غفاری اردبیلی؛ عسکر شاهی؛ محمد تقایی؛ حسین کریمی مراغه‌ای؛ فرهاد فکری؛ سید تقی سیفی؛ اصغر صادقی؛ صالح تبریزی؛ قدرت چوپانی؛ علی جاهد؛ عاقد سرابی؛ باقر عباسی زنجانی؛ هادی اردبیلی؛ علی رضا حضرتی؛ اقبال منصوریان؛ فرهنگ خدایی؛ پروینی؛ علی بازرگان؛ احمد شاهمرادی؛ ساکت تبریزی؛ احد عدل‌جو؛ سید محسن رجایی (مجنون)؛ فیاض حسنلو؛ سجاد عزتی و... .

بسیاری از این شعرا صاحب چندین جلد دیوان چاپ‌شده هستند و بعضی دیگر هنوز اشعار خود را به طبع نرسانده‌اند. برخی از شاعران نامبرده بسیار پرکار و دارای قریحه‌ای بسیار جوشان هستند؛ مثلاً آثار منتشرشده از حاج ولی الله کلامی زنجانی تا کنون از سی جلد تجاوز کرده است.

■ قالب‌های شعری ادبیات آیینی آذری

شاعران مرثیه‌سرای آذری در همه قالب‌ها شعر سروده‌اند. بیشتر نوحه‌های سینه‌زنی و زنجیرزنی در قالب چهارمصرع و بعضاً مخمس است. البته در گذشته برای این امر از قالب بحر طویل هم استفاده می‌کرده‌اند. معمولاً در شرح و تفصیل مطالب که در اصطلاح به آن احوالات می‌گویند، از قالب‌های دیگر مانند مثنوی، قصیده و ترکیب‌بند استفاده می‌شود. یکی از هنرهایی که بعضی از شعرای معاصر مانند کلامی زنجانی خالق آن هستند، استفاده از قالب

ترجیع‌بند و تکرار یک بیت یا یک مصرع در منظومه‌هایی بسیار مطول است؛ به‌طوریکه نه تنها این ترجیع و تکرار ملال‌آور نیست، بلکه نشان از مهارت و ذوق بسیار بالای سراینده آن دارد.

■ ناشران کتب ادبیات آیینی

چاپ و نشر کتاب‌های ادبیات آیینی و نوحه‌ترکی معمولاً توسط ناشران خاصی صورت می‌گیرد. در سالهای اخیر در شهر تهران بیشتر این کتابها توسط سه ناشر منتشر گردیده‌اند: انتشارات پیری، انتشارات فائزون و انتشارات احمدی.

معمولاً میانگین شمارگان این گونه کتابها در هر چاپ بین دو تا سه هزار جلد است که بسته به اشتها و قدرت شعری شاعر آن، کاهش و افزایش می‌یابد. در مناسبت‌های خاص مانند ماه محرم، ماه رمضان و ایام فاطمیه، میزان اقبال خریداران به خرید این آثار افزایش می‌یابد.

■ قطع و اندازه کتب شعر مرثیه آذری

اکثر قریب به اتفاق این کتابها در قطع جیبی منتشر می‌شوند. معمولاً تعداد صفحات این کتابها بین سیصد تا پانصد صفحه است و در هر صفحه شانزده مصراع چاپ شده است.

■ سخن پایانی

مقوله بررسی ادبیات رثایی آذری مطلبی بسیار قابل توجه است که به‌دلیل متعدد، متأسفانه کمتر به آن پرداخته شده است و منابع مکتوبی که پژوهشگر با رجوع به آنها به تحقیق بپردازد کمتر یافت می‌شود. تاریخ زندگی همه شعرای مرثیه‌گوی آذری به‌درستی روشن و در دسترس نیست؛ اما آثار بیشتر آنها موجود است و فراروی پژوهندگان این عرصه قرار دارد. اگر توفیقی باشد در نوشتارهای آتی بنا داریم به معرفی و بررسی آثار شعرای آذری‌زبان مرثیه‌سرا بپردازیم.